

درس اول: کلیات و مفاهیم

از فراگیر انتظار می رود در پایان این درس بتواند:

- ضرورت تصمیم گیری صحیح را درک کند.
- تصمیم گیری را تعریف کند.
- بتواند تفاوت تصمیم گیری و حل مساله را تبیین کند.
- تصمیم های صحیح و ناصحیح را تشخیص دهد.

تصمیم گیری صحیح، چرا؟

ما در لحظه نیاز به تصمیم گیری همیشه با تعدادی گزینه مواجه هستیم. چون تا زمانی که یک گزینه بیشتر نداریم، عملاً تصمیم گیری معنایی ندارد. لذا در مورد ابعاد مختلف تصمیم خود مردد می شویم. مثلاً همیشه دچار این تردید هستیم که چه زمانی برای تصمیم گیری مناسب است؟ بهتر است اکنون تصمیم بگیرم و یا آن را به تعویق بیندازم؟

از طرفی مسئولیت تصمیم گیری خصوصاً در تصمیم های مهم زندگی بسیار بالاست و بسیاری از ما از پذیرش این مسئولیتها ترس داریم. باید بدانیم انتخاب کردن با اقدام کردن تفاوت دارد و ممکن است در عین اینکه انتخاب درست را می دانیم، در راستای آن اقدام نکنیم. اما تصمیم گیری انتخابی برای اقدام است و هر اقدامی آثار مثبت و منفی خود را به دنبال دارد.

در زندگی همه ما لحظاتی پیش می آید که نمی دانیم به منطق استدلالی برای تصمیم گیری نیاز داریم و یا باید به تصمیم گیری شهودی خود (آنچه دلمان می گوید) اعتماد کنیم. و این تنها چند مورد از نیازهای متعدد ما به مهارت تصمیم گیری است. زیرا تصمیم گیری بر اساس نوع آن و اثرات مختلف آن در زندگی روش های متفاوت و ابعاد مختلفی دارد. بنابراین در درس مهارت تصمیم گیری، می کوشیم بیشتر به کلیات فرایند تصمیم گیری که بین اکثر انتخابها و تصمیم گیری های ما مشترک است، توجه داشته باشیم.

تعریف تصمیم گیری

همه می دانیم که تصمیم گیری چیست. درس نامه های تصمیم گیری را هم به امید بهبود قدرت تصمیم گیری می خوانیم و پیگیری می کنیم. شاید اگر در فضای آموزش و یادگیری نبودیم، به تعریف دقیق حد و مرز تصمیم گیری نیازی نداشتیم. لذا برای ارائه تعریف آن از چند مثال کمک می گیریم.

به این مثالها نگاه کنید تا در ادامه راجع به یک ویژگی مشترک مهم در میان آنها حرف بزنیم:

- همین ابتدای سال از طلبگی انصراف دهم یا امسال را بمانم و سال دیگر پس از قبولی در دانشگاه انصراف دهم؟
- حجره ام را عوض کنم یا مدرسه ام را؟
- حالا که میخواهم به حوزه علمیه بروم آیا با همه دوستان قدیمی ام قطع رابطه کنم یا تعدادی را نگه دارم؟
- از میان اساتید درس اصول کدامشان را برای سال جدید انتخاب کنم؟
- برای تولید نشریه داخلی مدرسه از آثار طلاب مدرسه استفاده کنیم یا از آثار پژوهشگران معروف؟
- از میان شروح مکاسب کدام کتاب فایده بیشتری به من می رساند و برای من مناسب تر است؟

- برای مباحثه کدام یک از گروه های موجود در کلاس را انتخاب کنیم؟

اگر فقط چند دقیقه فرصت داشته باشید، احتمالاً می‌توانید ده‌ها مثال دیگر از تصمیم‌گیری به فهرست بالا بیفزایید. اما فعلاً هدف ما، طولانی‌تر کردن فهرست مثال‌ها نیست؛ بلکه در جستجوی وجه مشترک همه‌ی این مثال‌ها هستیم تا بتوانیم تعریف تصمیم را از آن‌ها استخراج کنیم و ببینیم تصمیم‌گیری به چه معناست.

منظور از تعریف تصمیم‌گیری / مهارت تصمیم‌گیری چیست؟

وقتی از تصمیم‌گیری حرف می‌زنیم، همیشه گزینه‌ها مشخص هستند. ما می‌خواهیم با اتکا به دانش تصمیم‌گیری و تکنیک‌ها و ابزارهای آن، بهترین گزینه را انتخاب کنیم. به بیان دیگر، سوال تصمیم‌گیری این نیست که: چه گزینه‌هایی پیش روی من است؟ بلکه این پرسش است که: کدام‌یک از گزینه‌های پیش رو را انتخاب کنیم؟

بنابراین، اگر می‌دانیم چه گزینه‌هایی داریم و می‌خواهیم قدرت ارزیابی و انتخاب خود را افزایش دهیم، باید روی بهبود مهارت تصمیم‌گیری متمرکز شویم. اما ممکن است هنوز در مرحله‌ی یافتن گزینه‌های مختلف قرار داشته باشیم. در این حالت، چالش اصلی ما حل مسئله است. پس از حل مسئله، باید به انتخاب بهترین گزینه (یا همان تصمیم‌گیری) فکر کنیم.

مجدداً باید تأکید کنیم که گاهی اوقات، اصطلاح تصمیم‌گیری به شکل کلی برای هر دو حوزه‌ی حل مسئله و انتخاب بهترین گزینه به کار می‌رود. اما در فضای آموزش مدیریت، استفاده از عبارت تصمیم‌گیری و حل مسئله رایج‌تر است و وقتی این دو را در کنار هم به کار می‌بریم، یعنی منظورمان از تصمیم‌گیری، مشخصاً انتخاب میان گزینه‌های موجود است.

چرا بر تفکیک تصمیم‌گیری و حل مسئله تأکید داریم؟

در جواب این سوال باید گفت، علت‌های متعددی وجود دارد که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

- جدا بودن ادبیات علمی این دو حوزه.
 - تصمیم‌گیری یک مهارت عمومی است. اما حل مسئله عموماً نیازمند دانش تخصصی در حوزه‌ی مورد نظر است.
- مثلاً اگر با مشکل افت تحصیلی در مدارس علمیه روبرو باشیم، جستجو و تشخیص راهکارهای ممکن (حل مسئله)، نیازمند دانش تخصصی در حوزه‌ی آموزش و ارزیابی عملکرد مدارس و طلاب است.
- اما این که از بین راهکارها کدامیک را انتخاب کنیم، از جنس تصمیم‌گیری است.

حتماً به این نکته توجه کرده‌اید که نقش اساتید مشاوره در مدارس و نیز بسیاری از مسئولین آموزش، کمک به طلاب در فاز حل مسئله است.

اما معمولاً مدیران مدارس و مرکز مدیریت هستند که وظیفه‌ی تصمیم‌گیری (انتخاب از بین گزینه‌های روی میز) را بر عهده می‌گیرند.

اندکی تامل: چگونه می‌توان همه گزینه‌های روبرو برای تصمیم‌گیری را در نظر گرفت تا هیچ موردی از گزینه‌های قابل انتخاب از نظر مغفول نماند.